



جلسه هفدهم - درس خارج مهدویت - ۹۱/ ۸ / ۲۰

جلسه هفدهم - ۹۱/ ۸ / ۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين سيما امام زماننا روحى وارواح من سواه لتراب مقدمه الفداه.

مقدمه

بحث در رجعت ائمه معصومين: است. گفته شد که در مقابل قول بعضی از معاصرین که حکومت امام زمان روحی فداه را مقدمه حکومت علي بن ابی طالب ۷ دانسته، عده ای از معاصرین هم، اصل رجعت ائمه: را منکر شده‌اند. قسمتی از سخنان این معاصر را در جلسه قبل نقل کردیم. ایشان دو نظر در مورد رجعت را نقل نموده است:

(الف) رجعت و بازگشت امامان معصوم ۷ به دنیا برای حاکمیت

(ب) به حاکمیت رسیدن اولیای صالح و زمامداری امور بوسیله مهدیین

ما در جلسات قبل، روایات مربوط به حاکمیت مهدیین را بررسی کردیم - حدود ۴ تا ۵ روایت - که همه این روایات از مشکل سندى برخوردار بودند.

فاضل معاصر برای خود رجعت، چند معنا ترسیم می‌کند:

۱- ظهور امام مهدی، گاه از ظهور آن حضرت، به «رجعت» یاد می‌شود

۲- بازگشت برخی اموات به دنیا (گرچه از امامان معصوم نباشند)؛ به ویژه مؤمنان خالص و ماحضین درکفر

۳- بازگشت عده‌ای از معصومین؛ مانند: امیرالمؤمنین ۷ و امام حسین ۷ و چه بسا خود پیامبر اکرم ۹، البته ترتیب این رجعت، مانند ترتیب قبلی امامت آنها در دنیا نخواهد بود.

۴- بازگشت همه امامان معصوم: به ترتیب از آخر.

«والمعنيان الأخيران، قائمان على الفهم الإمامي للإسلام كما هو واضح. كما أن المعاني الثلاثة الأخيرة التي وقعت محل الجدل والنقاش في الفكر الإسلامي.»

دو معنی اخیر، (۳ و ۴) مبتنی بر برداشت امامیه می‌باشد؛ همان طور که سه معنی اخیر، (۲ و ۳ و ۴) محل بحث و جدل و اشکال در اندیشه اسلامی است.

بیان روایات در کلام مرحوم صدر

«وينبغي لنا أولاً: أن نسرد الأخبار الدالة على ذلك، ونحن نختار نماذج مهمة ولا نقصد الاستيعاب»

در اینجا نمونه‌ای از مهم‌ترین از این روایات را می‌آوریم:

آیا اینها احتمالات است یا اقوال و یا هر دو است؟ اگر اقوال است باید قائلش را ذکر کند و اگر احتمال است باید منشأ احتمال بیان گردد. ظاهراً فاضل معاصر در این جا روایات را خلط می‌کند. (بعضی از روایات مربوط به يك احتمال را در احتمال دیگر ذکر می‌کند). ضمن اینکه برای احتمال چهارم - بازگشت همه امامان معصوم: به ترتیب از آخر- روایتی ذکر نمی‌کند و بنده هم برای چنین احتمالی قائل نیافتم.

ایشان روایات را معمولاً از بحارالانوار نقل می‌کنند.

روایت اول

«أخرج المجلسي في البحار عن مُحَمَّد بنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ حَمْرَانَ بْنَ أَغْيَنَ وَ أَبَا الْخَطَّابِ يُحَدِّثَانِ جَمِيعاً - قَبْلَ أَنْ يُحَدِّثَ أَبُو الْخَطَّابِ مَا أَخَذَتْ - (قبل از انحراف عقیدتی ابوالخطاب) أَنَّهَا سَمِعَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ أَوَّلَ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَ يَزْجَعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع وَ إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ لَا يَزْجَعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضاً أَوْ مَحَضَ الشَّرْكَ مَحَضاً.» [۱]. [ftn1]

علامه مجلسی به سند خود از محمد بن مسلم روایت کرده است که حضرت صادق ۷ فرمود: نخستین کسی که قبرش شکافته می‌شود و به دنیا بازمی‌گردد، حسین بن علی ۷ است و رجعت برای همگان نیست بلکه برای افراد خاصی است؛ آن کسانی که ایمانی خالص و ناب دارند و یا کفری عمیق و شرکی ریشه دار.

این روایت هم می‌تواند مستند برای معنای دوم (رجوع مردگان) و هم معنای سوم (رجوع ائمه اطهار) باشد.

روایت دوم

«بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ قَالَ لِي مَنْ لَا أَشْكُ فِيهِ يَعْنِي أَبَا جَعْفَرٍ ع إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ عَلِيّاً سَيَزِجَعَانِ.» [۲]. [ftn2 #]

و به همین سند از بکیر بن اعین نقل شده است - کسی که در سخن او تردیدی ندارم یعنی - امام باقر ۷ فرمود: رسول خدا ۹ و علی بن ابی طالب ۷ [به دنیا] بازخواهندگشت.

روایت، مستند برای احتمال سوم (رجعت ائمه: و حتی پیامبر اکرم ۹) است.

روایت سوم

«...عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الطَّيَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجاً» [۲]. [ftn3 #] - فَقَالَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قُتِلَ إِلَّا سَيَزِجَعُ حَتَّى يَمُوتَ وَ لَا أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَاتَ إِلَّا سَيَزِجَعُ حَتَّى يُقْتَلَ» [۴]. [ftn4 #]

امام صادق ۷ در تفسیر آیه (و آن روز از هر امتی، گروهی را محشور می‌کنیم) فرمود: هیچ مؤمن شهیدی نیست مگر آن که به دنیا بازمی‌گردد تا [به مرگ طبیعی] از دنیا برود و هیچ مؤمنی [به مرگ طبیعی] نمی‌میرد مگر آن که بازمی‌گردد تا شهید شود.

مرحوم صدر این روایت را با روایات ماحضین در ایمان و کفر در تعارض می‌داند در حالی که چنین تعارضی وجود ندارد بلکه این روایت موید معنای دوم (رجعت بعضی از مردگان) می‌باشد. این روایت رجعت مومنین را بیان می‌دارد (مثبت است) و در صدد نفی رجعت ماحضین در کفر نمی‌باشد. تعدادی از رجعت کنندگان در این روایت آمده و باقی در روایات دیگر بیان شده است.

« عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ... فَلَمْ يَبْعَثِ اللَّهُ نَبِيًّا وَ لَا رَسُولًا إِلَّا رَدَّ جَمِيعَهُمْ إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى يُقَاتِلُوا بَيْنَ يَدَيَّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي ظَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ » [5]. [ftn5]

خداوند هیچ يك از انبيا و رسولان را مبعوث نكرده مگر آن كه همگی را به دنيا بر می گرداند تا اینکه در ركاب اميرالمؤمنين ۷ بجنگد.

این روایت مستند معنای سوم (رجوع ائمه) است. البته اضافه ای هم دارد و آن رجوع تمام انبیاء می باشد که ما قبلا روایات آن را بیان نمودیم.

شاید مستند کسانی که حاکمیت امام زمان ۴ را مقدمه برای حاکمیت امیرالمؤمنین ۷ می دانند، این روایت باشد. ولی چگونه ممکن است چنین جنگ هائی توسط امیرالمؤمنین پس از امام زمان ۴ اتفاق بیفتد در حالی که در زمان امام زمان ۴ بساط ظلم و جور برچیده می شود. روایات متعدد و متواتر وارد شده است که در زمان آن حضرت عدل و داد همه جا را فرا می گیرد و ریشه ظلم و ستم خشکیده می شود. مگر اینکه بگوییم چنین اتفاقاتی در زمان خود امام زمان ۴ است.

روایت پنجم

«...عَنْ دَاوُدَ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ۷ قَالَ إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَزْجَعُ لَجَارُكُمْ الْحُسَيْنُ ع فَيَمْلِكُ حَتَّى تَمْعَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ مِنَ الْكِبَرِ » [6]. [ftn6]

امام باقر ۷ می فرماید: اولین کسی که از ائمه طاهرين: رجعت می کند همسایه‌ی شما امام حسین ۷ است (راوی ساکن عراق بوده است). آن بزرگوار بقدری حکومت می کند که ابروهایشان روی چشمشان بیافتد (کنایه از سن زیاد)

این روایت مستند برای معنای سوم و کسانی که قائلند، حاکمیت بعد از امام زمان ۴ برای ائمه طاهرين: است، می باشد.

از طرفی ما روایات متعددی داریم که بعد از حضرت مهدی ۴ حجتی نمی باشد و آن بزرگوار تا ۴۰ روز قبل از قیامت هستند. آن ۴۰ روز باقی مانده، دوران مقدمات قیامت و حشر و نشر است یعنی جزءعالم تکلیف نیست (الیوم عمل بلا حساب و غداً حساب بلا عمل) و دوران حساب است.

«تفسير القمي أبي عن ابن أبي عمير عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال: انتهى رسول الله ص إلى أمير المؤمنين ع و هو نائم في المسجد قد جمع زملاً و وضع رأسه عليه فحركه برجله [v]. [ftn7 #]. ثم قال قم يا دابة الله فقال رجل من أصحابه يا رسول الله أ تسمي بعضنا بهذا الاسم فقال لا و الله ما هو إلا له خاصة و هو الدابة التي ذكر الله في كتابه و إذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم أن الناس كانوا بآياتنا لا يوقنون [8]. [ftn8 #]. ثم قال يا علي إذا كان آخر الزمان أخرجك الله في أحسن صورة و معك ميسم تسم به أعداءك فقال الرجل لأبي عبد الله ع إن العامة يقولون هذه الآية إنما تكلمهم فقال أبو عبد الله كلفهم الله في نار جهنم إنما هو تكلمهم من الكلام و الدليل على أن هذا في الرجعة قوله و يوم نحشر من كل أمة فوجاً ممن يكذب بآياتنا فهم يوزعون حتى إذا جاؤ قال أ كذبتم بآياتي و لم تحيطوا بها علماً أما ذا كنتم تعملون [9]. [ftn9 #]. قال الآيات أمير المؤمنين و الأئمة ع فقال الرجل لأبي عبد الله ع إن العامة تزعم أن قوله و يوم نحشر من كل أمة فوجاً عنى في القيامة فقال أبو عبد الله ع فيحشر الله يوم القيامة من كل أمة فوجاً و يدع الباقيين لا و لكنه في الرجعة و أما آية القيامة و حشرناهم فلم نغادر منهم أحداً» [10]. [ftn10 #]

امام صادق ۷ می‌فرماید: رسول خدا ۹ بر امیر المؤمنین ۷ وارد شد و دید که آن حضرت در مسجد خوابیده و سر مبارکش را بر توده‌ای خاک نهاده است. پس با پای خود او را تکان داد و فرمود: ای «دابة الله» برخیز. یکی از اصحاب عرض کرد: ای رسول خدا، آیا ما نیز می‌توانیم همدیگر را به این نام بخوانیم؟ فرمود: نه، به خدا سوگند این نام تنها مخصوص اوست. او همان «دابه» (جنبه) ای است که در کتاب خدا از او یاد شده است: «و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد، جنبه‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با ایشان سخن گوید که: مردم [چنان که باید] به نشانه‌های ما یقین نداشتند» سپس فرمود: ای علی، آخر الزمان که شود، خدا تو را در زیباترین چهره ظاهر نماید در حالی که با تو وسیله‌ای است که با آن بر دشمنان داغ و نشان می‌نهی... از امام صادق ۷ سؤال شد: عموم مردم می‌پندارند مقصود از این سخن خداوند که «و آن روز که از هر امتی گروهی را محشور می‌گردانیم» روز قیامت است. حضرت فرمود: آیا خداوند در روز قیامت از هر امتی تنها گروهی را برانگیزد و دیگران را باقی گذارد؟ خیر این آیه درباره رجعت است و اما آیه قیامت این است: «و آنان را گرد می‌آوریم و هیچ یک را فرو گذار نمی‌کنیم»

قبلا ما روایات دابة الارض را بررسی کردیم ولی روایت صحیحی که دابة الارض را بر امیرالمومنین ۷ تطبیق نماید، نیافتیم. آن روایاتی هم که در این زمینه است باید تبیین شود.

عبارت «أنا صاحب العصا و الميسم [11]. [ftn11 #]» چون عطف بر این دو تا است، ممکن است کلمه صاحب در تقدیر باشد و به معنای أنا صاحب دابة الارض باشد. پس وقتی دابة الارض ظاهر شد دیگر همه ایمان می‌آورند و این دابة الارض، آیه ای از آیات آسمانی است که زمام آن به دست امیرالمومنین ۷ می‌باشد. البته تلاش بعضی بر آن است که دابة الارض را بر خود امیرالمومنین ۷ تطبیق دهند. هیچ تردیدی در این نیست که امیرالمومنین ۷ از بزرگترین معجزات است. خود آن حضرت می‌فرماید: «ما لله آية أكبر مني» [12]. [ftn12 #]. ولی این مساله منافاتی با صاحب دابة الارض ندارد چون این معجزه بزرگ در اختیار آن حضرت است که این هم، از معجزات است.

این روایت، ظاهراً مشکل سندی ندارد ولی مشکل اصلی آن، نقل از تفسیر قمی است و ما کراراً گفته ایم که قبلاً نظرمان در مورد این تفسیر همان نظر مرحوم آقای خویی بوده است ولی بعداً از نظرمان برگشتیم چون تأملاتی در آساند و انتساب این کتاب به مرحوم قمی داریم (در این تفسیر همه روایات وارد شده از قمی نمی‌باشد بلکه از دیگران هم به این تفسیر وارد و مخلوط شده است، این تنها حرف ما نیست بلکه بعضی از بزرگان معاصر حوزه هم بیان نموده‌اند). [۱۳]. [ftn13_#]

از این روایت رجعت امیرالمؤمنین^۷، استفاده می‌شود که شاهد برای معنای سوم می‌باشد و از طرفی رجعت عده ای هم فهمیده می‌شود. - البته در روایت تبیین نشده است که این تعداد چه کسانی هستند؟ مؤمن محض و یا کافر محض هستند؟- پس مؤید معنای دوم هم می‌باشد.

روایت هفتم

«عیون أخبار الرضا ۷ تَمِيمُ الْقُرَيْشِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ قَالَ الْمَأْمُونُ [۱۴] [ftn14_#] لِلرَّضَا ۷ يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا تَقُولُ فِي الرَّجْعَةِ فَقَالَ ۷ إِنَّهَا الْحَقُّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ وَ نَطَقَ بِهَا الْقُرْآنُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۹ يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ حَذُو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُدَّةُ بِالْقُدَّةِ» [۱۵]. [ftn15_#]

حسن بن جهم روایت کرده است که امام رضا^۷ در پاسخ به مأمون که پرسید: نظر شما درباره رجعت چیست؟ فرمود: رجعت، حق است و در امت‌های گذشته هم بوده است. قرآن کریم از آن سخن گفته است و پیامبر^۹ درباره‌اش فرموده است: هر آنچه در امت‌های پیشین رخ داده است، در این امت مو به مو اتفاق خواهد افتاد.

پس طبق این روایت، در این امت هم رجعت می‌باشد. در ادامه روایت امام رضا^۷ می‌فرماید که پیامبر^۹ فرمود:

«قَالَ ۹ إِذَا حَرَجَ الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِي نَزَلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَ فَصَلَّى خَلْفَهُ وَ قَالَ ۹ إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَ سَيَعُودُ غَرِيباً فَظُلُوبِي لِلْغُرَبَاءِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ثُمَّ يَكُونُ مَاذَا قَالَ ثُمَّ يَزْجَعُ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ» [۱۶]. [ftn16_#]

پیامبر^۹ فرمود: وقتی مهدی-که از فرزندان من است-ظهور نماید، عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و پشت سر او نماز گزارد. آنگاه فرمود: [دعوت] اسلام در غربت و گمنامی آغاز شد و به زودی به همان غربت بازمی‌گردد، پس خوشا به حال غریبان، سؤال شد: ای رسول خدا^۹، بعد از آن چه اتفاقی می‌افتد؟ فرمود: حق به اهلش بازمی‌گردد.

نقش حضرت عیسی در دوران حضرت مهدی^۴ چیست؟ بعضی چنان نقش وی را بسیار پررنگ و محوری وانموده‌اند که گویا امام زمان^۴ در حاشیه قرار دارد و بعضی فراتر از این رفته و گفته‌اند که لا مهدی إلا عیسی؛ [۱۷]. [ftn17_#]

إن شاء الله در این موضوع در جلسه بعدی صحبت خواهیم کرد.

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

[۱]. [ftnref1_#]. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹

[۲]. [ftnref2_#]. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹

[۳]. [ftnref3_#]. سوره نمل، آیه ۸۳.

[۴]. [ftnref4_#]. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۰

[۵]. [ftnref5_#]. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۱

[۶]. [ftnref6_#]. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۴

[۷]. [ftnref7_#]. بنده علاوه بر اشکال سندی که به این روایت دارم، عبارت «فَحَرَّكَهُ بِرَجْلِهِ» برایم قابل قبول نیست. وجود مقدس محمد مصطفی ۹ که سراپا ادب و اخلاق بود و طرف مقابلش هم امیرالمومنین ۷ باشد، شاید چنین تعبیری رسا نباشد. پیامبری که حضرت را با لفظ «برادر» خطاب می فرماید، البته امیرالمومنین ۷ خود را خادم پیامبر ۹ می دانست و می فرمود: أنا عبدٌ من عبید محمد ۹.

[۸]. [ftnref8_#]. سوره نمل، آیه ۸۲.

[۹]. [ftnref9_#]. سوره نمل، آیات ۸۳ و ۸۴.

[۱۰]. [ftnref10_#]. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۳

[۱۱]. [ftnref11_#]. قال في النهاية: الميسم هي الحديدة التي يوسم بها، و أصله موسم فقلبت الواو ياءا لكسرة الميم

[۱۲]. [ftnref12_#]. تفسير القمي، ج ۱، ص ۳۰۹

[۱۳]. [ftnref13_#]. نگا: کلیات في علم الرجال ايه الله سبحانه

[۱۴]. [ftnref14_#]. در بعضی روایات، از مامون عباسی تعبیر به عفریت شده است مامون تا مرفق دستش به خون معصوم و اولاد معصومین آغشته است. با این حال تعجب می کنم از افرادی که از وی دفاع می کنند. کشف الغمه

مطلبی دارد که گویا می خواهد از مامون عباسی دفاع کند، از بعضی معاصرین دیگر هم، خیلی تعجب آور است که از این شخص دفاع می کنند.

[۱۵]. [ftnref15_#]. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۹

[۱۶]. [ftnref16_#]. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۹

[۱۷]. [ftnref17_#]. این مطلب از معاویه در مناظره ابن عباس با او شنیده شد. الشیعه و الرجعه ۱:۱۵۲ به نقل از ملاحم.

شاید این موارد نیز مورد علاقه شما باشد

							
جلسه	جلسه ۵ بحث	جلسه ۱ بحث	جلسه ۱۳	جلسه سی و	جلسه ۱۱ بحث	جلسه سوم	جلسه ۱۱ بحث
دوازدهم =	روایات ندای	خروج - یاجوج	بحث روایات	سوم بحث	روایات ندای	بحث قیام	خروج - یاجوج
درس خارج	آسمانی =	و مأجوج =	ندای آسمانی =	قیام های قبل	آسمانی =	های قبل از	و مأجوج =
مهدویت -	درس خارج	درس خارج	درس خارج	از ظهور = درس	درس خارج	ظهور = درس	درس خارج
۱۷/۷/۹۱	مهدویت -	مهدویت -	مهدویت -	خارج مهدویت -	مهدویت -	خارج مهدویت	مهدویت -
	۹۰/۱۰/۱۱	۹۱/۰۱/۱۹	۹۰/۱۲/۰۱	۹۳/۰۲/۲۹ -	۹۰/۱۱/۲۹	۹۲/۱۱/۲۸ -	۹۱/۰۲/۱۶

○

پاسخ



کلیه حقوق محفوظ است، استفاده از مطالب با ذکر منبع بلامانع است.